

سبک‌شناسی تعارف‌های اهل بیت علیهم السلام با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی

عبدالرضا عرب ابوزیدآبادی^۱

چکیده

تعارف از سنت‌های رایج اجتماعی و سازوکاری برای تعامل بهتر بین انسان‌ها از طریق به‌کارگیری عبارات و واژگان مؤدبانه و احترام‌آمیز است. اینکه انسان‌ها در ارتباط‌های گفتاری خود با دیگران از چه عبارات و ساختارهایی و با چه اهداف و انگیزه‌هایی و به چه میزانی بهره می‌گیرند فرهنگ‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند. پژوهش حاضر با هدف سبک‌شناسی تعارف‌های اهل بیت علیهم السلام با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی به شیوه توصیفی- اسنادی انجام شد نتایج بررسی‌ها با مطالعه و بررسی در ساختارها و واژگانی که اهل بیت علیهم السلام در تعارف‌ها از آن استفاده کرده‌اند، نشان داد که ایشان پایه‌گذار سبک جدید و متفاوتی در آداب معاشرت و ادبیات اجتماعی عصر خود بوده‌اند. این سبک تعارف که براساس اصل انسانی مهر و محبت و تعمیق روابط اجتماعی با استفاده از عبارات و ساختارهای تأثیرگذار اسلامی و مقابله با عبارات و ساختارهای نادرست بوده است، در دوره‌های بعد نیز در فرهنگ محاورات مسلمانان استمرار یافت.

واژگان کلیدی: اهل بیت علیهم السلام، تعارف، تحیت، ادب معاشرت، زبان‌شناسی

اجتماعی، سبک‌شناسی تعارف‌های اهل بیت علیهم السلام.

هر زبانی آئینه جامعه خود است و در سیمای زبان، ویژگی‌های جامعه مانند متمدن بودن یا بدوی بودن، پیشرفت یا انحطاط، نظام‌ها، ایدئولوژی‌ها، جهت‌گیری‌های فکری، هنری، اقتصادی و... ظاهر می‌شود؛ یعنی زبان به صورت آشکار از همه پدیده‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و در فرهنگ و تمدن بشری تأثیر می‌گذارد. زبان‌شناسان کارکردهای متنوع و متفاوتی برای زبان بیان می‌کنند که یکی از آنها استفاده از زبان برای تأکید بر احساس وابستگی به جامعه است. در این حالت زبان به چیزی شبیه به اصوات، حرکات و نماد تبدیل می‌شود. (نعمه رحیم‌الغراوی، ۱۳۹۴) این کارکرد صورت‌های کلامی متعددی مانند تعابیر سلام و خدا حافظی، تبریک و تسلیت‌ها، تعارف‌های مربوط به آیین‌ها و سنت‌ها و روابط مؤدبانه اجتماعی به خود می‌گیرد. مقصود از چنین عبارات و تعابیری که در این موارد بین انسان‌ها به کار می‌رود ایجاد ارتباط اجتماعی یا تأکید بر این ارتباط و تحکیم آن است؛ زیرا در این عبارات و تعابیر، اندیشه یا اطلاعات مهمی وجود ندارد که به دنبال رساندن آن به مخاطب باشد بلکه فقط ابراز علاقه و احساس و تلطیف در تعامل اجتماعی است. آنچه تعارف شناخته می‌شود، هنجاری است که در ایجاد تعامل سازنده میان دو شخص و یا گروه، نقش بسیار مؤثری برعهده دارد و هنجاری مثبت و تأثیرگذار در ایجاد تعاملات اجتماعی و همبستگی محسوب می‌شود که می‌تواند دستخوش آسیب‌ها و آفت‌ها قرار گیرد. باتوجه به گستره عبارات و واژگان تعارفی در جوامع مختلف، تعارف یکی از موضوع‌های مورد پژوهش در زبان‌شناسی اجتماعی است. زبان‌شناسی اجتماعی را می‌توان مطالعه زبان در پیوند با جامعه تعریف کرد که هدف آن، پرده برداشتن از رابطه میان زبان و حیات اجتماعی و تأثیر این حیات بر پدیده‌های گوناگون زبانی است. پژوهشگران در این باره اتفاق نظر دارند که زبان تنها در پرتویک جامعه انسانی، زنده و پویاست و زبان روزی پدیدار شد که مردم نیاز به فهم متقابل یکدیگر را حس کردند. (نعمه رحیم‌الغراوی، ۱۳۹۴) شاید بتوان دوره حاضر را دوره گسترش زبان‌شناسی نامید؛ زیرا از سویی وام‌گیری پربسامد واژگان علم زبان‌شناسی توسط متخصصان حوزه‌های دیگر دیده می‌شود و از سویی دیگر از تعامل این حوزه نه چندان قدیمی با حوزه‌های دیگر، علوم میان‌رشته‌ای بسیار وسیعی به وجود آمده است.



زبان‌شناسی یا همان فقه‌اللغه از دیرباز مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده و آثاری در این زمینه نوشته شده است. قدیمی‌ترین آنها فقه‌اللغه اثر عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی (متوفی ۴۲۹) است که به روش موضوعی، مطالب کتاب را در یک جلد به زبان عربی نوشته است. از مطالعات زبان‌شناسانه در حوزه تاریخ اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام کمتر اثری یافت می‌شود و پژوهشگران تاریخ اسلام کمتر با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی به مطالعه تاریخ پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر با چنین رویکردی، بخشی از سیره و سخن اهل بیت علیهم‌السلام در موضوع تعارف را بررسی شده است تا سهم پیشوایان دین را در ادبیات اجتماعی مسلمان‌ها روشن کند. ریشه برخی تعارف‌ها در جامعه اسلامی به ابداع واژگان و توصیه استفاده از آنها از سوی ایشا بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

تعارف از موضوع‌های میان‌رشته‌ای است که با دانش‌هایی مانند اخلاق و تربیت، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی ارتباط دارد. بخش اعظم اخلاق اسلامی را آداب معاشرت شکل می‌دهد. حسن معاشرت با دیگران مستلزم رعایت احترام، ادب، محبت و فروتنی نسبت به دیگران است و بخشی از آن در نوع کلماتی که انسان در گفت‌وگو با دیگران انتخاب می‌کند، تجلی می‌یابد. بنابراین، در آثاری که درباره آداب معاشرت نوشته شده و در مجامع حدیثی در بابی که باعنوان العشره تنظیم شده است، می‌توان مباحث مربوط به تعارف را دنبال کرد. پژوهش حاضر با رویکرد زبان‌شناسانه در سیره اهل بیت علیهم‌السلام انجام شده که از نظر روشی با این آثار متفاوت است، اگرچه از آنها بهره می‌برد.

تعارف مانند پدیده‌ای اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان و مورخان اجتماعی بوده است. شاید نخستین بار مستشرقان و سیاحان خارجی در مواجهه با مردم ایران متوجه پدیده تعارف شدند و آن را خصیصه‌ای عجیب در جامعه ایرانی معرفی کردند. به پیروی از مستشرقان، برخی روشن‌فکران منتقد ایرانی هم در آثار خود، خصیصه تعارف را نقد کردند و آثاری در این زمینه به جای گذاشتند. زین‌العابدین مراغه‌ای در سیاحت‌نامه *ابراهیم بیگ*، محمدعلی جمال‌زاده در کتاب *خلقیات ما*، مهدی بازرگان در کتاب *سازگاری ایرانی*، ایزدی در کتاب *چرا عقب مانده‌ایم*، زیباکلام در کتاب *ما چگونه ما شدیم*، رضاقلی در کتاب





جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، علمداری در کتاب *چرا ایران عقب ماند و غرب پیشرفت کند* و... به این موضوع پرداخته‌اند. (فراسنخواه، ۱۳۸۹) در سال‌های اخیر، تعارف موضوع بسیاری از پژوهش‌های جدید جامعه‌شناسان و زبان‌شناسان اجتماعی قرار گرفته و مقاله‌های متعددی در این زمینه نوشته شده است که برخی عبارتند از: مقاله *چرا خارجی‌ها تعارف فارسی را نمی‌فهمند نوشته درکیچ (تابستان ۱۳۸۶)*. مقاله *بررسی بافت شناختی تعارف‌ها واقعی و غیر واقعی در زبان فارسی*، نوشته شریفی عباسیان؛ مقاله *تعارف ایرانی*، نوشته فاضلی (۱۳۸۸) مقاله *تعارف آمد، نیامد دارد (بررسی مبانی، اصول و آداب تعارف در اسلام)*، نوشته پورخلیلی (۱۳۹۴)؛ مقاله *مطالعه‌ای تجربی در باب تأثیر متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت بر کاربرد تعارف‌ها در زبان فارسی*، نوشته شریفی مقدم، بحرینی و وحیده ابوالحسنی زاده (۱۳۹۶). تعارف‌ها حوزه وسیعی از رفتارها و گفتارهای اجتماعی را در برمی‌گیرند که در افکار، اندیشه، اخلاق و فرهنگ جامعه تأثیر مستقیم دارند و از منافذ ورود کلمات، عبارت‌ها و نمادهای بیگانه است. بنابراین، با توجه به جایگاه تعارف در اخلاق، آداب معاشرت اسلامی و تعامل زبان اجتماعی با فرهنگ و تمدن بشری ارائه الگویی صحیح بر مبنای سیره اهل بیت (علیهم السلام) در این زمینه ضروری است.

۳. مفهوم‌شناسی اصطلاحات پژوهش

۳-۱. مفهوم‌شناسی تعارف

تعارف واژه‌ای عربی از ریشه عرف است. عرف به جای بلندی گفته می‌شود که از همه جا دیده می‌شود و چیزی بر آن مسلط نیست. از همین رو به امر شناخته شده، معروف می‌گویند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۸۱/۴؛ جوهری، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۴۰۰/۴) تعارف به معنای شناخت دوسویه در قرآن به کار رفته است (ر.ک.، حجرات: ۱۳). در کتاب‌های لغت فارسی واژه تعارف به معنی خوش آمد گفتن به یکدیگر، احوالپرسی کردن از یکدیگر، تکلف و اسباب ضیافت فراهم کردن، دعوت به ضیافت، پیشکش دادن، هدیه، اغراق در ادای احترام و سایر تشریفات به حدی که اسباب ناراحتی طرف مقابل را فراهم کند، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، بی‌تا). تردیدی نیست که مفهوم کلمه تعارف در زبان فارسی بسیار پیچیده است. برای اثبات پیچیدگی این مفهوم،

تنها این نکته کافی است که یک معنای آن، چیزی به کسی دادن و معنای دیگر، هدیه را نپذیرفتن است. در جوامع عربی، بیشتر از واژه مجامله برای معنای تعارف استفاده می‌شود. مجامله به معنای تسامح، مدارا و خوش رفتاری با مردم است و یکی از معانی آن، استفاده از کلمات زیبا در گفت‌وگو با دیگران یعنی، همان تعارف‌های رایج است (دهخدا، ۱۳۷۷).
 واژه تحیات، به معنای تعارف ایرانی نزدیک است و در ادبیات دینی نیز بسیار به کار رفته و شاخه‌ای از آداب معاشرت اسلامی را شکل می‌دهد. تحیت در لغت به معنای سلام گفتن، درود، سلام، دعا و نیایش آمده است. در قرآن کریم واژه تحیت در چندین مورد به کار رفته است. در آیه ۸۶ سوره نساء بر تحیت احسن و نیکو تأکید شده است. این آیه دیدگاه اسلام را درباره تعارف به خوبی نشان می‌دهد: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا؛ و هنگامی که کسی به شما تحیت گوید پاسخ آن را به طور بهتر دهید یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گوید. خداوند حساب همه چیز را دارد». تحیت در لغت از ماده حیات و به معنی دعا برای حیات دیگری کردن است خواه این دعا به صورت سلام علیک (خداوند تو را به سلامت دارد) و یا حیاک الله (خداوند تو را زنده بدارد) و یا مانند آن باشد، ولی بیشتر از این کلمه هر نوع اظهار محبتی که افراد با سخن با یکدیگر می‌کنند را شامل می‌شود که روشن‌ترین مصداق آن همان سلام کردن است. آیه تحیت با عبارتی تشویق‌آمیز پایان یافته است. تحیت‌ها و پاسخ‌ها و برتری یا مساوات آنها در هیچ حد و مرحله‌ای بر خداوند پوشیده و پنهان نیست و اجر و ثواب دارد: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (نساء: ۸۶). (شیرازی، ۱۳۵۳، ۴/۴۲) ائمه اطهار علیهم‌السلام از این آیه برای ترویج تعارف‌های اسلامی بهره می‌بردند و در پرتو آن، شیوه تعارف‌ها را آموزش می‌دادند. امام علی علیه‌السلام فرمود:

إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَاسْمِئْهُ قُولُوا يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ وَهُوَ يَقُولُ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها.

هرگاه کسی عطسه کرد برایش دعا کنید و به او بگویید: رحمت خدا بر تو باد! و او در پاسخ بگوید: مغفرت الهی برای تو باد و خدا شما را رحمت کند؛ زیرا خداوند فرموده است هرگاه کسی به شما تحیت گفت، پاسخ او را بهتر یا مانند او بدهید. (حرعاملی،

۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۲/۸۹)

۳-۲. مفهوم‌شناسی سبک‌شناسی

زبانی که فرد با آن سخن می‌گوید یکی از ویژگی‌های شخصیتی وی و از مهمترین علائمی است که او را از دیگران متمایز می‌کند. معنای این سخن آن است که زبان هر فرد، مظاهر، جلوه‌ها و ویژگی‌های خود را دارد که با زبان دیگران متفاوت است. برای مثال مشخصه‌های آوایی، هویت فرد را معین می‌کند و نشان می‌دهد که او مرد یا زن، جوان یا پیر، دوست‌داشتنی یا نفرت‌انگیز، باوقار و محترم یا سبک و تمسخرآمیز است. یکی از مظاهر و جلوه‌های زبان افراد، واژه‌های مورد استفاده آنهاست. با بررسی واژه‌های مورد استفاده هر فرد می‌توان به فرهنگ، شغل یا طبقه اجتماعی او پی برد. همچنین در زبان برخی افراد واژه‌هایی یافت می‌شود که پیوسته آنها را تکرار می‌کند و به تکیه کلام او تبدیل می‌شود. (نعمه رحیم‌الغزوی، ۱۳۹۴) بنابراین، منظور از سبک‌شناسی، تأثیری است که نویسنده یا گوینده می‌خواهد با استفاده از یک سبک خاص بر مخاطب خود داشته باشد. سبک‌شناسی می‌کوشد برای انتخاب‌هایی که گروه‌های اجتماعی در کاربرد سبک زبانی خود دارند اصول و خطوطی بیابد و آنها را دسته‌بندی و مطالعه کند. در سبک‌شناسی تعارف اهل بیت علیهم‌السلام روش خاص ایشان برای بیان اندیشه، عواطف و احساساتشان مورد توجه است تا مؤلفه‌های تعارف‌های اهل بیت علیهم‌السلام که آن را از سایر تعارف‌ها متمایز می‌کند، روشن شود.

۴. تعارف از دیدگاه جامعه‌شناسان

درباره ماهیت تعارف مانند یک پدیده اجتماعی و خاستگاه آن در میان جامعه‌شناسان اختلاف نظرهای علمی جدی وجود دارد. جامعه‌شناسان درباره چیستی و چرایی تعارف به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که تعارف چیست و چرا انسان‌ها در برابر دیگران خود را به زحمت و تکلف می‌اندازند و عبارت‌ها و جمله‌هایی را به کار می‌برند که گاه در دل از آنها ناخشنودند. آیا رعایت ادب و احترام در برابر دیگران ضرورتی اجتماعی است یا سازوکاری برای تعامل سازنده است و یاریشه در خلیقات و عادت‌های اجتماعی و فرهنگ ملت‌ها دارد.

۴-۱. نظریه ادب

نظریه ادب یکی از مهمترین و مؤثرترین نظریه‌های زبان‌شناسی توسط براون ولوینسون (۱۹۸۷) تبیین و عرضه شده است. این دو به تبعیت از گافمن، وجهه را خودانگاره عمومی



می‌دانند که هر عضو جامعه برای خود قائل است. (کوتلاکی، ۱۳۹۵) براساس این نظریه، هدف از کاربرد عبارت‌های تعارفی، حفظ حیثیت اجتماعی فرد است. کلمه حیثیت، ترجمه کلمه انگلیسی Face به معنی تصویری است که شخصی از هویت، ارزش و استعداد خود دارد. این دو معتقدند که تعارف‌ها به صورت بالقوه و وجهه شنونده را منفی می‌کنند؛ زیرا این پیشنهادها نشان‌دهنده تمایل گوینده برای سرسپردن شنونده به او به صورت خواسته یا ناخواسته و درخواست شنونده از گوینده است تا کارهایی را برایش انجام دهد. به این ترتیب نوعی وام‌گیری که در آینده به نتیجه خواهد رسید، صورت می‌گیرد. طولی نکشید که نظریه ادب توسط زبان‌شناسان نقد شد؛ زیرا این نظریه تعریف دقیقی از ادب نمی‌دهد تا بتوان براساس آن، این پدیده را به طور میان فرهنگی بررسی کرد. حیثیتی که براون و لوپینسون ایجاد کردند در جامعه‌های شرقی مصداق ندارد (فاضلی، ۱۳۸۸؛ زورن فابکا، ۱۳۹۵؛ منیر درکیچ، ۱۳۸۶؛ ایزدی، ۱۳۹۶).

۲-۴. نظریه خلیات اجتماعی

هرچند اخلاق به معنای عام آن در نظر گرفته می‌شود، ولی می‌توان در یک تفکیک دقیق‌تر و متمایز از تفکیک اخلاق فردی و اجتماعی، میان اخلاق^۱ و خلیات^۲ تمایز گذاشت. اخلاق، خصلت فرد است و خلیات، خصلت نظام اجتماعی است که اخلاق در آن به کار برده می‌شود. بنابراین، خلیات را می‌توان بخشی از رفتارهای نهادینه شده در جامعه دانست که در طول تاریخ تکرار شده است. (جوادی‌یگانه، ۱۳۹۵) بسیاری از مستشرقان و سیاحان خارجی و برخی از روشن‌فکران ایرانی تعارف را یکی از خلیات منفی ایرانی و شرقی می‌دانند و آن را نکوهش می‌کنند. این افراد معتقدند که روحیه دروغ‌گویی، تملق و چاپلوسی ایرانی، خود را در فرهنگ تعارف نشان داده است. برای مثال سیو لینیو در کتاب چهره گول‌زننده ایران می‌نویسد:

مردم ایران مردمی خونگرم و خوش‌برخورد هستند، ولی هرگز خودشان را به آسانی آشکار نمی‌کنند. مکالمات ایرانیان سرشار از ادب و توأم با شکسته‌نفسی و اظهار تواضع است و البته با ریا و سالوس و دروغ با هم مواجه می‌شوند. همه این کارها را می‌کنند تا از رنجش و آزدگی خاطر طرف مقابل یا رفتن آبروی خود بپرهیزند.

(فرستخواه، ۱۳۸۹)



رویکرد کارکردگرایی، فرهنگ را مانند سازوکاری برای تأمین نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی بررسی می‌کند. برای مثال اگر افراد یک جامعه زیاد دروغ می‌گویند، گویا اقتضای زندگی در آن سرزمین، دروغ گفتن بوده است. به عبارت دیگر دروغ گفتن مکانیزمی زیستی است که کارکرد دارد و به دلیل همین کارکردش، نهادینه می‌شود و رواج پیدا می‌کند. رویکرد ساخت‌گرایی به ساختارهای عمیق‌تری توجه می‌کند که فرهنگ را شکل و سمت‌وسو می‌دهند. رفتارهای آموخته فرهنگی با همین ساختارهای عمیق تولید یا بازتولید می‌شوند. برای مثال اگر در رفتارهای غالب در یک جامعه نوعی ارزش‌های تک‌جنسیتی مذکر وجود داشته و نهادینه و بازتولید شده باشد، ریشه‌اش در ساختارهای عمیق پدرسالار و مردسالار بوده است. رویکرد دیگر، اشاعه‌گرایی است که براساس آن، فرهنگ، عادات و روحيات با انتشار و انتقال از جامعه‌ای دیگر تحول پیدا می‌کنند. در این رویکرد گفته می‌شود که حمله اعراب به ایران منشأ تغییرات رفتاری و اخلاقی در فرهنگ این سرزمین شد به طوری که اگر این اتفاق‌ها روی نداده بود مردم سرزمین اکنون رفتارهای دیگری داشتند. (فرستخواه، ۱۳۸۹)

۳-۴. نظریه ابزار روابط اجتماعی

براساس پژوهش زورن فایکا پژوهشگر اجتماعی از دانشگاه هامبورگ آلمان، تعارف، ابزار تنظیم روابط اجتماعی بوده و سه عامل محبت، قاعده‌های اجتماعی و هدف شخصی در آن دخیل است. تعارف، چهار وجه احترام، رودربایستی، مهمان‌نوازی و فروتنی دارد، ولی براساس پژوهش حاضر مشخص شد که وجه رودربایستی آن بیش از بقیه وجوه آن رایج است. فایکا در مورد ویژگی‌های تعارف می‌نویسد:

تعارف سه ویژگی دارد که عبارت است از: اختیاری بودن، چگونگی استفاده از آن و هدف کاربردش. اختیاری بودن یعنی، فرد مختار است که تعارف کند یا نکند. چگونگی استفاده هم این است که تعارف، تنوع‌پذیر و تحت تحول تاریخی است. هدف هم یعنی، افراد با تعارف می‌توانند به اهداف مختلفی برسند که برخی از آنها هدف شخصی است. برای مثال فرد می‌خواهد با تعارف کردن برای خودش وقت بخرد یا با تعارف کردن، فاصله‌اش را با فرد مورد نظر کم کند و در نتیجه به یک هدف خاص برسد. نکته مهم درباره تعارف این است که چون تعارف ابزاری برای تنظیم روابط اجتماعی است، می‌توان آن را پدیده‌ای بین‌المللی دانست که به شکل‌های مختلف

در همه کشورها وجود دارد. برای مثال تجربه شخصی من نشان می‌دهد که حتی در آلمان هم در برخی از مواقع تعارف وجود دارد، ولی چون از کلمات یا عبارات خاصی مثل ایرانی‌ها استفاده نمی‌کنیم به آن آگاه نیستیم. البته میزان استفاده از تعارف در آلمان قابل مقایسه با ایران نیست و برای مثال تعارف در مواردی مثل وارد شدن دو نفر از یک در است نه چیزهای دیگری که در ایران رایج است. تازه همین شکلش هم خیلی کم دیده می‌شود. منظور از ابزاری برای تنظیم روابط اجتماعی این است که در بسیاری از موارد قدرت نه گفتن یا دعوت نکردن کسی به خانه تا اندازه‌ای سخت و بی‌ادبانه به نظر می‌رسد که برای تنظیم این رابطه، کار به تعارف کشیده می‌شود. (زورن فایکا، ۱۳۹۵)

در بیشتر آرا و نظرها، نگاه ابزاری به تعارف حاکم است. گویا بشر برای تنظیم روابط اجتماعی و تأمین منافع شخصی و رابطه کلامی با دیگران به ناچار نیازمند ابزاری دروغین به نام تعارف است که در جوامع مختلف و بسته به مقدار نیاز، کم و زیاد دارد. این نگاه ابزاری بیشتر با فلسفه اومانیستی غرب سازگار است که فردگرایی و انسان‌محوری را مبنای نظام‌های اجتماعی و فرهنگی قرار می‌دهد و خواست و میل انسان را محور و ملاک رفتارهای اجتماعی می‌داند و در آن کرامت دیگران به خودی خود ارزش و جایگاهی ندارد.

۵. شاخصه‌های تعارف‌های اهل بیت علیهم‌السلام

تعارف مورد نظر پیشوایان اسلام شاخصه‌هایی دارد که از سایر تعارف‌های رایج متفاوت و متمایز است. تعارف‌های اهل بیت علیهم‌السلام تعارف‌هایی جدی، صادقانه، صمیمی و عاطفی است. عبارت‌های تعارفی در سیره معصومین علیهم‌السلام چندوجهی هستند و کارکردهای متنوع معرفتی، عاطفی و اجتماعی دارند.

۵-۱. استفاده از واژه‌های قرآنی

از مهمترین مؤلفه‌های تعارف اهل بیت علیهم‌السلام استفاده از واژه‌های قرآنی است که البته گاه با تغییرات اندکی همراه بود، اما خاستگاه قرآنی بودن آن آشکار است. در این روش با استفاده از ظرفیت ارتباط‌های گفتاری برای گسترش فرهنگ قرآنی بر غنای محتوایی تعارف نیز افزوده می‌شود. این تعبیر سمت و سوی تعارف‌های اسلامی را به صداقت، صمیمیت و پرهیز از دروغ، تظاهر و تکلف سوق می‌دهد.

در بین تعارف‌های اسلامی، سلام بالاترین جایگاه را دارد و آغاز و پایان دیدارها و گفت‌وگوها با این عبارت قرآنی مزین می‌شود. آیات و روایات فراوانی درباره سلام کردن و پاسخ سلام را دادن و احکام و آداب آن وجود دارد. این عبارت از آیه ۲۴ سوره رعد: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» گرفته شده و در آیات دیگر هم بر آن تأکید شده است. از آیات قرآن استفاده می‌شود که سلام، نوعی تحیت یا تعارف است: «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» (ابراهیم: ۲۳). سلام از اسامی خدای متعال است: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ» (حشر: ۲۳). سلام از گفتارهای خداوند مهربان است: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس: ۵۸). تحیت اهل بهشت نیز سلام است: «أُولَئِكَ يُجْرَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا حَيَّةً وَسَلَاماً» (فرقان: ۷۵)، مانند «سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (صافات: ۱۰۹) و «سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ» (صافات: ۱۲۰).

آیه ۶۱ سوره نور می‌فرماید: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً؛ هنگامی که وارد خانه‌ای شدید بر یکدیگر سلام و تحیت الهی بفرستید، تحیتی پربرکت و پاکیزه». در این آیه، سلام، تحیت الهی معرفی شده که هم مبارک است و هم پاکیزه و می‌توان از آن استفاده کرد که معنی سلام علیکم در اصل، سلام الله علیکم است؛ یعنی درود پروردگار بر تو باد یا خداوند تو را به سلامت دارد و در امن و امان باشی. به همین دلیل سلام کردن نوعی اعلام دوستی، صلح و ترک مخاصمه و جنگ است. در روایت‌های اسلامی تأکید زیادی بر سلام شده است تا آنجا که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه؛ کسی که پیش از سلام آغاز به سخن کند پاسخ او را نگویند» (کلینی، ۱۳۶۹). نکته مهم در سیره معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام این بود که آنها سلام را مقدم بر همه چیز حتی احوال‌پرسی می‌دانستند و به پیروان خود تذکر می‌دادند که ابتدا سلام کنید و سپس احوال‌پرسی. آنها به احوال‌پرسی‌های بدون سلام پاسخ نمی‌دادند. در روایت آمده است:

وَقَالَ لَهُ رَجُلٌ ابْتِدَاءً كَيْفَ أَنْتَ عَافَاكَ اللَّهُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَهُ السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ عَافَاكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَأْذُنُوا لِأَحَدٍ حَتَّىٰ يُسَلِّمَ.

شخصی بدون آنکه سلام کند به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام عرض کرد، حالتان چطور است؟ خدا شما را به سلامت بدارد. حضرت عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به او فرمود: اول سلام و بعداً کلام. خدا شما را به سلامت دارد. سپس فرمود: تا کسی سلام نکرده به او اجازه (ورود یا سخن) ندهید. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳)



۵-۱-۲. طوبی لکم

عبارت طوبی لک که ریشه در آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (رعد: ۲۹) دارد پرکاربردترین واژه تبریک در لسان پیشوایان دین اسلام است. این تبریک قرآنی بیشتر برای توفیقات معنوی، رسیدن به مراتب کمال و دستیابی به مقامات الهی افراد به کار رفته است و در موفقیت‌های دنیوی و مادی نیز استفاده شده است. واژه طوبی از ریشه طیب و مؤنث الأطیب است به معنای غبطه و سعادت. طوبی لک یعنی، خوش باشی و نیک بختی بر تو گوارا باد (بستانی، ۱۳۷۵/۱/۵۸۵). طریحی در مجمع‌البحرین درباره طوبی می‌نویسد: از رسول خدا ﷺ نقل است که طوبی درختی است در بهشت که ریشه آن در خانه من و شاخه آن در خانه علی علیه السلام است. درباره آن خانه از حضرت صلی الله علیه و آله سؤال شد. وی فرمود: خانه من و علی علیه السلام در بهشت در یک جا قرار دارد. (طریحی، ۱۳۷۵، ۲/۱۱۰)

این عبارت در تبریک‌گویی‌های اهل بیت علیهم السلام جایگاه خاص و پرکاربردی داشته است.

برای نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای نزول آیه اکمال چنین تبریک گفت: «وَقَالَ هَيْبًا لَكَ وَطُوبَى لَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَ عَلَيَّ آيَةً مُحْكَمَةً غَيْرَ مُشَابِهَةٍ ذِكْرِي وَإِيَّاكَ فِيهَا سَوَاءٌ فَقَالَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (کوفی، ۱۴۱۰هـ.ق). درباره بشارتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام درباره جایگاه او و شیعیانش در بهشت می‌دهد بر آسمانی بودن این عبارت تأکید کرده است: «فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله [إِنَّ] جَبْرِيْلَ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ طُوبَى لَكَ وَلِشِيعَتِكَ وَلِمُحِبِّيكِ وَالْوَيْلُ لِمُؤْتَمِرِيكَ» (ابن شاذان، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱/۱۴۷).

۵-۱-۳. هنيئاً مريئاً

عبارت هنيئاً لک: «هنيئاً لک و کرامه» نیز برگرفته از آیات قرآن است که چندین بار در قرآن تکرار شده است. از جمله آیه: «هَيْبًا مَرِيئًا» (نساء: ۴) به معنای پاک و گوارا (طریحی، ۱۳۷۵/۱/۴۷۸) و هم معنای گوارای وجودت باد، است که در تبریکات ائمه علیهم السلام فراوان تکرار شده است. در برخی موارد کلمه هنيئاً با کلمه کرامه همراه آورده می‌شود. در تبریک رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام درباره ازدواج با حضرت زهرا علیها السلام چنین آمده است: «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَيْبًا لَكَ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي» (ابن بابویه، ۱۳۷۷/۲/۵۷۳). نمونه دیگر تبریک امام موسی بن جعفر علیه السلام به همسر خود نجمه در ولادت





حضرت رضا علیه السلام است: «هَنِيئاً لَكَ يَا نَجْمَةَ كَرَامَةِ رَبِّكَ» (ابن بابویه، بی تا، ۲۰/۱). امام صادق علیه السلام به همسر سعد به دلیل داشتن دختری مثل ام‌الحسنین چنین تبریک گفته است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لِامْرَأَةٍ سَعْدٍ: هَنِيئاً لَكَ يَا خُنْسَاءَ، فَلَوْ لَمْ يُعْطِكَ اللَّهُ شَيْئاً إِلَّا ابْنَتَكَ أُمَّ الْحُسَيْنِ، لَقَدْ أَغْطَاكَ اللَّهُ خَيْرًا» (کلینی، ۱۳۶۹، ۱۱/۱۸۲).

۵-۱-۴. سرفی حفظ‌الله

در برخی روایت‌های مربوط به خداحافظی، عبارت «سرفی حفظ‌الله» یا «امض فی حفظ‌الله» به کار رفته است که به معنای «برو به امان خدا، برو در پناه خداست» و برگرفته از آیه ۶۴ سوره یوسف است: «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» که از دعاهای سفر نیز است. برای نمونه امام باقر علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «سرفی حفظ‌الله و التمس معاشک» (مسعودی، ۱۳۸۴). امام کاظم علیه السلام به یکی از شیعیان فرمود: «امض فی حفظِ اللهِ فَلَا سَلْطَ اللهُ عَلَیْكَ وَلَا عَلَی ذُرِّيَّتِكَ وَلَا عَلَی أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِكَ شَيْئاً مِنَ السَّبَاعِ» (ربلی، ۱۳۸۱، ۲/۲۲۷).

۵-۱-۵. جزاک‌الله، جزاکم‌الله خیراً

در تشکرهای اهل بیت علیهم السلام عبارت جزاک‌الله بسیار استفاده شده است. این عبارت برگرفته از آیه ۳۶ سوره نبا است: «جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا». در روایت‌های فراوانی این عبارت در مقام تشکر از دیگران به کار رفته است. در روایتی، راوی با توجه به کثرت استفاده از این عبارت در تشکرهای اسلامی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که معنای عبارت جزاک‌الله چیست و چرا مسلمانان برای تشکر از یکدیگر از این عبارت استفاده می‌کنند و امام علیه السلام با استناد به قرآن چنین پاسخ می‌دهد:

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ خَيْرًا تَهَرُّ فِي الْجَنَّةِ مَخْرَجُهُ مِنَ الْكُوْتَرِ وَالْكَوْتَرِ مَخْرَجُهُ مِنَ سَاقِ الْعَرْشِ عَلَيْهِ مَنَازِلُ الْأَوْصِيَاءِ وَشِيعَتِهِمْ عَلَى حَافَتَيْ ذَلِكَ النَّهْرِ جَوَارِي نَابِتَاتٍ كُلَّمَا قُلِعَتْ وَاحِدَةٌ نَبَتْ أُخْرَى سُمِّيَ بِذَلِكَ النَّهْرِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى -فِمِنْ خَيْرَاتِ حِسَانٍ- (الرحمن: ۷۰) فَإِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِصَاحِبِهِ جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا فَإِنَّمَا يَعْنِي بِذَلِكَ تِلْكَ الْمَنَازِلَ الَّتِي قَدْ أَعَدَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِصَفْوَتِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ. (کلینی، ۱۳۶۹، ۸/۲۳۰)

امام حسین علیه السلام خطاب به ابن عباس فرمود: «فقال الحسين علیه السلام: جزاک‌الله خیراً بابن عم، فقد والله علمت أنك مشیت بنصح و تکلمت بعقل». (ابومخنف، ۱۴۱۷) فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ علیه السلام: «جَزَاكَ اللَّهُ

مِنْ نَاصِحِ خَيْرًا» (حسن بن علی، ۱۴۰۹ هـ.ق). فی الحدیث «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ دَخَلَ عَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ وَهُوَ يَكِيدُ بِنَفْسِهِ فَقَالَ: جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ سَيِّدِ قَوْمٍ» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۳۱/۵). عبارت «احسن الله لك الجزاء؛ خداوند پاداش تو را نیکو قرار دهد» نیز در مقام تشکر از دیگران در روایت های معصومان علیهم السلام استفاده شده است که ریشه قرآنی دارد. از جمله در آیه ۶۰ سوره الرحمن: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ». در نامه امام هادی علیه السلام به علی بن مهزیار آمده است: «يَا عَلِيُّ أَحْسَنَ اللَّهُ جَزَاكَ وَ أَسْكَنَكَ جَنَّتَهُ وَ مَنَعَكَ مِنَ الْحِزْبِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ حَسَرَكَ اللَّهُ مَعَنَا» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷). در این نامه، امام علیه السلام با عبارت های محبت آمیز، زیبا و پرمحتوا از خدمات علی بن مهزیار قدرشناسی کرده و برای او دعا کرده است که خدا او را با امامان محشور کند و خوشا به سعادت علی بن مهزیار.

۵-۱-۶. احسنت

این عبارت معروف که ریشه قرآنی دارد به این معناست که نیکو انجام دادی و کار زیبایی کردی. فیومی این واژه را چنین توضیح داده است: «و أَحْسَنْتَ: فَعَلْتَ الْحُسْنَ كَمَا قِيلَ أَجَادَ إِذَا فَعَلَ الْجَبِيْدَ وَ أَحْسَنْتُ الشَّيْءَ عَرَفْتُهُ وَ أَتَقَنْتُهُ» (فیومی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۳۶/۲). تشویق امام علی علیه السلام توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از انجام مأموریت جبران اشتباه خالد در یمن با این عبارت بود: «فقال: أصبت و أحسنت» (طبری آملی کبیر، ۱۴۱۵ هـ.ق). رسول خدا صلی الله علیه و آله در لحظات پایان عمر خود انصار را فراخواند و ایشان را این گونه تشویق و ستایش کرد: «قَالَ يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ قَدْ حَانَ الْفِرَائِي وَ قَدْ دُعِيَتْ وَ أَنَا مُجِيبُ الدَّاعِي وَ قَدْ جَاوَزْتُمْ فَأَحْسَنْتُمْ الْجَوَارِ وَ نَصَرْتُمْ فَأَحْسَنْتُمْ التُّصْرَةَ وَ وَاسَيْتُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ وَسَعْتُمْ فِي الْمُسْلِمِينَ وَ بَدَلْتُمْ لِلَّهِ مَهَجَ الثُّفُوسِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۴۷۶/۲۲). امام علی علیه السلام در تشویق معقل فرمود: «وَ أَقْبَلَ مَعْقِلٌ إِلَى عَلِيٍّ عَ فَأَخْبَرَهُ بِمَا كَانَ مِنْهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ علیه السلام: أَحْسَنْتَ وَ أَصَبْتَ وَ وُقِفْتَ» (ثقفی کوفی، ۱۳۹۵/۱، ۲۴۶). امام کاظم علیه السلام از آرزوی فردی سؤال کرد و وقتی پاسخ زیبا و جالب او را شنید با واژه احسنت او را تشویق کرد: «فَقَالَ: أَحْسَنْتَ، أَعْطَوْهُ أَلْفِي دِرْهَمٍ» (حسن بن علی، ۱۴۰۹ هـ.ق). امام صادق علیه السلام بشیر دهان را با این واژه تشویق کرد: «فَقَالَ أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ» (کلینی، ۱۳۶۹، ۵۸۰/۴).

۵-۱-۷. بارک الله

عبارت بارک الله به معنای خدا به تو برکت دهد نیز ریشه قرآنی دارد مانند آیه ۱۴ سوره مؤمنون که در مقام تحسین و تمجید از آفرینش الهی چنین می فرماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

الْخَالِقِينَ» و نظایر آن. واژه مبارک، مبارکه و مبارکاً نیز در آیات متعدد به کار رفته است مانند آیه ۲۹ سوره مؤمنون: «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبَارَكاً وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ». امروزه نیز در تعارف‌ها و تشویق‌های مسلمانان بسیار به کار می‌رود. این عبارت که شکل دعا نیز دارد در امور مادی و معنوی در سیره و سخن اهل بیت علیهم‌السلام فراوان به کار رفته است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ حَفَّهَا أَرْبَعَةُ أَمْلَاقٍ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فِي طَعَامِكُمْ» (برقی، ۱۳۷۱/۲، ۴۳۲). «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْحَيْدِ بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَفِيَمَنْ بَاعَكَ وَيُقَالُ لِصَاحِبِ الرِّدْيِ لَا بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَلَا فِيمَنْ بَاعَكَ» (کلینی، ۱۳۶۹، ۲۰۲/۵).

۵-۱-۸. مرحبا

واژه مرحبا که در خوش آمدگویی‌های عربی و اسلامی رواج دارد در مقام تشویق توسط معصومین علیهم‌السلام استفاده شده است. شکل منفی این عبارت در قرآن به صورت: «لا مرحبا» برای توبیخ و سرزنش به کار می‌رود. «هَذَا فَوْجٌ مُفْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِيْتَهُمْ صَالُوا النَّارِ» (ص: ۵۹). فواد بستانی این واژه را این‌گونه ترجمه کرده است: «الْمَرْحَبُ - [رحب]: فراخ در زندگی و در خوش آمدگویی». «مرحباً بک» گویند: «اهلاً و مرحباً؛ نزد قومی آمدی و به فراخ رسیدی، پس خوش باش». «لا مرحباً بک؛ به تو خوش نگذرد» که در نفرین به کار می‌رود (بستانی، ۱۳۷۵). از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده است که رسول خدا ﷺ هرگاه عبدالله بن ام مکتوم را می‌دید، می‌فرمود: مرحبا مرحبا: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى عَبْدَ اللَّهِ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ قَالَ: مَرْحَبًا مَرْحَبًا لَا وَاللَّهِ لَا يُعَابِتُنِي اللَّهُ فِيكَ أَبَدًا وَكَانَ يَضَعُ بِهِ مِنَ اللَّطْفِ حَتَّىٰ كَانَ يَكُفُّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ مِمَّا يَفْعَلُ بِهِ» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲هـ.ق، ۴/۲۸۶). رسول خدا ﷺ عمار یاسر را نیز با این عبارت تشویق می‌کرد: «جَاءَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ يَسْتَأْذِنُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: مَرْحَبًا بِالطَّيِّبِ ابْنِ الطَّيِّبِ» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴هـ.ق، ۰ در شعر منسوب به امام علی علیه‌السلام در مقام تشویق طرفداران عدالت آمده است: «قَالَ عَلِيُّ: يَا مَرْحَبًا بِالْقَائِلِينَ عَدْلًا وَبِالصَّلَاةِ مَرْحَبًا وَ أَهْلًا» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴هـ.ق).

۵-۱-۹. طیب الله

عبارت تشویقی طیب الله و طاب نیز از ریشه طیبه به معنای دلچسب و طبع پسند است. «طَابَ الشَّيْءُ طَيِّبًا؛ دلچسب و طبع پسند شد». راغب می‌گوید: اصل طیب آن است که حواس از آن لذت می‌برند و نفس از آن لذت می‌برد و

پاک کردن را استطابه گویند که پاک کردن چیزی سبب دلچسبی آن است. نقیض طیب، خبیث است. در قرآن این واژه با شکل های مختلف آمده است. برای مثال «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ از زنان آنکه دلخواه و موردپسند شماست، نکاح کنید» (نساء: ۳). «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا» (زمر: ۷۳). (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۲۵۷/۴)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «من اشتغل بذكر الله طيب الله ذكره؛ هرکس به یاد خدا مشغول شود خدا نام و یادش را پاک و گرامی گرداند». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) براساس روایتی دیگر خداوند متعال برای تشویق فرد روزه دار از این عبارت استفاده می کند: «وَقَوْلُهُ ع فِي حَدِيثِ الصَّائِمِ، حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى طَيْبَ اللَّهُ رِيحَكَ وَرُوحَكَ» (طریحی، ۱۳۷۵، ۳۶۱/۲).

۱۰-۱-۵. تقبل الله

عبارت تقبل الله به معنای «خدا از شما قبول کند» نیز در محاورات اسلامی بسیار کاربرد دارد و جنبه تشویقی و ریشه قرآنی دارد. «وَإِذْ يُرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (۱۲۷: بقره). «قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (۲۷: مائده). گفتن این عبارت بعد از انجام هر عمل عبادی مانند حج و نماز توصیه شده است و امروزه نیز پرکاربرد است. سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که به فردی که از حج بازمی گشت با این عبارت خوش آمد و تبریک می گفت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يَقُولُ لِلْقَادِمِ مِنْ مَكَّةَ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذُنُوبَكَ» (برقی، ۱۳۷۱، ۳۷۷/۲). امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به ملاقات برادر دینی ات که از حج برگشته، رفتی چنین بگو: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا لَقَيْتَ أَحَاكَ وَوَدِمَ مِنَ الْحَجِّ فَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَسِّرَ سَبِيلَكَ وَهَدَىٰ ذَلِيلَكَ وَأَقْدَمَكَ بِحَالٍ عَافِيَةٍ قَدْ قَضَىٰ الْحَجَّ وَأَعَانَ عَلَى السَّفَرِ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَجَعَلَهَا لَكَ حِجَّةً مَبْرُورَةً وَ لِدُنُوبِكَ طَهْرًا. (ابن ادريس، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۵۷۶/۳)

امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به کسی که از حج بازگشته بود، چنین می فرمود: «تَقَبَّلَ اللَّهُ نُسُوكَكَ وَغَفَرَ ذُنُوبَكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ» (نوری، بی تا، ۲۳۲/۸)

۱۱-۱-۵. انشالله

عبارت قرآنی «انشالله؛ اگر خدا بخواهد» که در چندین آیه قرآن تکرار شده است کاربرد فراوانی در زبان محاوره اسلامی دارد و توکل انسان به خدای متعال و اعتقاد او به توحید افعالی را تقویت می کند. در آیه ۲۷ سوره قصص از قول حضرت شعیب عليه السلام خطاب به حضرت



موسی (علیه السلام) آمده است: «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ». در آیه ۱۰۲ سوره صافات از قول حضرت اسماعیل (علیه السلام) خطاب به حضرت ابراهیم (علیه السلام) آمده است: «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ». در روایت های اهل بیت (علیهم السلام) نیز این عبارت توحیدی و قرآنی در محاوره ها بسیار استفاده شده و برگرفتن آن تأکید شده است. روایت ها در این زمینه بی شمار است؛ برای نمونه «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) افْتَتِحُوا نَهَارَكُمْ بِخَيْرٍ وَامْلُوا عَلَى حَفَظَتِكُمْ فِي أَوَّلِهِ خَيْرًا وَ فِي آخِرِهِ خَيْرًا يُغْفَرَ لَكُمْ مَا بَيْنَ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۳۶۹، ۲/۱۴۲).

۱-۵-۱۲. انا لله و انا اليه راجعون

یکی از شاخص ترین عبارات های تسلیت در فرهنگ اسلامی استفاده از عبارت استرجاع یعنی، آیه: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است. این عبارت قرآنی صبر و آرامش خاصی به فرد مصیبت زده می دهد، باور او را نسبت به مبدأ و معاد یادآوری می کند و ناپایداری دنیا و اصالت آخرت را متذکر می شود. اهل بیت (علیهم السلام) اصرار فراوانی داشتند تا این آیه را در پیام های تسلیت وارد کنند و آن را جزئی از فرهنگ تسلیت گویی قرار دهند. در نامه تسلیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به معاذ هنگام فوت فرزندش نیز این آیه آمده است: «مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مُعَاذِ ابْنِ جَبَلٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ فَإِنِّي أَحْمَدُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَمَا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي جَزَعُكَ عَلَى وَلَدِكَ الَّذِي قَضَى اللَّهُ عَلَيْهِ. فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ لَا يَحِطُّنَّ جَزَعُكَ أَجْرَكَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳). امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هیچ انسانی نیست که مصیبتی به او برسد و در هنگام مصیبت، کلمه استرجاع بر زبان کند مگر آنکه خدای متعال همه گناهان گذشته او را بیامرزد و هرگاه آن مصیبت را یاد آورد و استرجاع بگوید گناهان زمان مصیبت تا زمان یادآوری را نیز ببخشد» (کلینی، ۱۳۶۹، ۳/۲۲۴).

۲-۵. استفاده از ساختارهای توحیدی

اهل بیت (علیهم السلام) منادی توحید و طلایه دار مبارزه با شرک هستند و جامعه بشری را نیز به توحید و خداپرستی فرامی خوانند. ترویج فرهنگ توحیدی در همه ابعاد و جوانب مدنظر آنها بوده است. تعالیم، رهنمودها، خطبه، سخنان و موعظه هایشان دعوت به توحید در تمام مراتب آن بوده است تا آنجا که حتی در تعارف ها و سخن گفتن معمولی نیز توحید، نام خدا و عبودیت موج می زند. در تعارف های سنتی ایرانی نیز کلمه خدا بسیار پرکاربرد بوده که متأثر از فرهنگ دینی ایرانیان است. برخی از آنها عبارتند از: خداحافظ، در پناه خدا،

خدا به همراهت، خدا نگهدارت، دست خدا به همراهت، خدا قوت، خدا خیرت بده، اگر خدا بخواهد و....

۵-۲-۱. استودعک الله

عبارت «استودعک الله» معادل عبارت «به خدا سپردمت» در زبان فارسی است. طریحی این عبارت را این‌گونه توضیح داده است: «منه قولهم: «أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ غَيْرَ مُوَدَّعٍ» أى غیر متروک» (طریحی، ۱۳۷۵، ۴/۴۰۰). برای نمونه در روایتی آمده است: «وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُودِعَهُ فَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ» (کلینی، ۱۳۶۹، ۴/۵۷۵) که هم بر عبارت قرآنی «السلام علیکم» تأکید شده و هم عبارت توحیدی «استودعک الله» توصیه شده است.

۵-۲-۲. فی امان الله، فی برکه الله

عبارت‌های دیگر خداحافظی نیز بار توحیدی دارد مانند عبارت «فی امان الله» و «فی برکه الله» که در روایت‌ها آمده و مورد استفاده فراوان عرب‌زبانان مسلمان است. در روایتی آمده است: «قَالَ: فَأَنْتُمْ فِي أَمَانِ اللَّهِ فَأَمْضُوا، فَضُنُّوا سَالِمِينَ، وَتَصَدَّقُوا بِاللُّثْ، وَرَبِّحُوا الرِّهْمَ عَشْرَةً» (حر عاملی، ۱۴۱۴هـ.ق، ۴/۱۱۶). امام باقر علیه السلام فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا وَدَّعَ مُسَافِرًا أَخَذَ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ سِرًّا عَلَى بَرَكََةِ اللَّهِ» (برقی، ۱۳۷۱، ۲/۳۵۴). تأثیرگذاری چنین عبارت‌های توحیدی بر زبان محاوره بر کسی پوشیده نیست.

۵-۲-۳. اعظم الله اجورکم

در هنگام تسلیت‌گویی، عبارت توحیدی «أعظم الله اجورکم یا عظم الله اجورکم» بسیار سفارش شده است. این عبارت که امروزه نیز از آن استفاده می‌شود به معنای آن است که خداوند اجر و پاداش شما را در تحمل و صبر بر این مصیبت، عظیم گرداند. برای نمونه وقتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام خبر رحلت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به مردم داد از این عبارت استفاده کرد و سپس صدای ناله و شیون مردم به آسمان برخاست: «وَقَالَ عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَكُمْ فِي نَبِيِّكُمْ فَقَدْ قَبَضَهُ اللَّهُ فَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ بِالصَّجَّةِ وَالْبُكَاءِ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۱/۷۵). یا زمانی که امام علی علیه السلام خبر وفات سلمان را به مردم داد با این عبارت به مردم تسلیت گفت: «جابر قال صلينا خلف علی [الصباح] فالتفت وقال: أعظم الله أجوركم في أخيكم سلمان فتكلم الناس في ذلك» (حر عاملی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۳/۵۴۲). استفاده از عبارت «أعظم الله اجورکم» در تسلیت‌گویی در عزای سیدالشهدا علیه السلام نیز





سفارش شده است و امروزه شیعیان در عزای همه امامان از این عبارت برای بیان تسلیت استفاده می‌کنند: «قُلْتُ وَ كَيْفَ يُعَزَّى بَعْضُنَا بَعْضًا قَالَ تَقُولُ عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ جَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِأَرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ وَ الْإِمَامِ الْمُهَدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ -» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۴/۵۰۹).

۵-۲-۴. احسن الله لكم العزاء

عبارت «أحسن الله لكم العزاء یا أحسن عزاک» نیز در روایت‌های متعددی مورد استفاده اهل بیت علیهم‌السلام در تسلیت‌گویی قرار گرفته است و معادل «خدا به شما صبر دهد» در فارسی است. طریحی در مجمع‌البحرین این عبارت را چنین معنا کرده است: «أحسن الله عزاک أي رزقک الله الصبر الحسن» (طریحی، ۱۳۷۵/۱، ۲۹۰). در نامه تسلیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به معاذ نیز این عبارت با کمی تفاوت آمده بود: «فَأَحْسِنِ الْعَزَاءَ». در روایتی آمده است که امام صادق علیه‌السلام بر گروهی که از مصیبتی عزادار بودند درآمد و چنین فرمود: «خداوند این نقصان وارد بر شما را جبران نماید و صبر جزیل به شما عطا نماید و درگذشته شما را مورد رحمت قرار دهد و بعد از آن فرمود: وَ أَحْسَنَ عَزَاكُمْ وَ رَجَمَ مُتَوَفَّاءَكُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۱۷۴).

۵-۲-۵. شکر الله سعيك

عبارت توحیدی «شکر الله سعيك» که در تشکرهای اهل بیت علیهم‌السلام فراوان به‌کار رفته به این معناست: «خداوند به شما پاداش نیکو دهد». «و قولهم: شکر الله سعيه، بمعنى أثنائه» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۷/۵۰). نمونه‌هایی از این تشکر که در روایت‌ها آمده است عبارتند از «فَقَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيِي وَعَاجَزْتُ مِنْ أَجْرَتِي مِنْ أُمَّ هَانِي لِمَكَانِي مِنْ عَلِيٍّ» (اریلی، ۱۳۸۱/۱، ۲۱۹). «فَلَمَّا تَوَسَّطَهُ نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام وَقَالَ لِي شَكَرَ اللَّهُ سَعِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَارْجِعْ فَرَجَعْتُ» (ابن شاذان قمی، ۱۳۶۳).

۵-۲-۶. اماط الله

اماط الله یعنی؛ خدا بدی را از تو دور کند. فراهیدی این عبارت را چنین معنا کرده است: «يقال: أَمَاطَ اللَّهُ عَنْكَ الْأَذَى، أي: نَهاه» (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۷/۴۶۴). در روایت‌های مختلف به کاربرد این عبارت توصیه شده است. این عبارت تشکرآمیز زمانی به‌کار می‌رود که شخص از لباس یا چهره شخص مقابل، آلودگی یا چیز نامناسبی را برطرف کند. امام علی علیه‌السلام فرمود: «إِذَا أَخَذْتَ مِنْكَ قَدَاةً فَقُلْ أَمَاطَ اللَّهُ عَنْكَ مَا تَكْرَهُ؛ هرگاه کسی آلودگی (امر ناپسندی) را از تو رفع کرد به او بگو: اماط الله عنک ما تکره؛ خدا از تو آن چه را نمی‌پسندی بردارد». همچنین فرمود: «عَنْ جَدِّهِ

عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَنَاوَلَ رَجُلٌ مِنْ لَحْيَتِهِ شَيْئاً فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمَا ظَلَمْتُكَ مَا تَكْفُرُهُ؛ شَخْصِي مِنْ مَحَاسِنِ رَسُولِ خَدَا ﷺ چِيزِي رَا بَرْدَا شَت. حَضْرَت دَر مَقَام تَشْكُرِ از او فَرَمُود: خَدَا از تو زَشْتِي هَا رَا بَرْدَا رَد» (ابن اشعث، بی تا).

۵-۳. استفاده از ساختار دعا

استفاده از ساختارهای دعا در تعارف‌ها یکی دیگر از اقدامات فرهنگ‌ساز اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه است. این ساختارها هم به محتوای محاوره‌ها و مکالمه‌های عادی، غنا، ارزش و جهت می‌بخشد و هم روابط را صمیمی‌تر و عاطفی‌تر می‌کند. عبارت‌های دعایی، توجه انسان را به معبود یگانه معطوف می‌دارد. البته این به آن معنا نیست که از اسالیب دیگر استفاده نشده است، اما فراوانی استفاده از دعا برای دیگران در زبان محاوره بیانگر نقش و تأثیر روان‌شناختی این عبارت‌ها بر انسان است و آن بزرگواران با عنایت خاصی این عبارت‌ها را رواج داده‌اند. در تعارف‌های ایرانی نیز ساختارهای دعایی وجود داشته است. الهی خیر از جوانیت ببینی، الهی پیر شی، خدا حفظت کنه، خیر ببینی، عاقبت به خیر شی، موفق باشی، خوشبخت بشی، خدا پدر و مادرت را بیامرز و... از نمونه‌های قرآنی و توحیدی در تعارف‌هاست.

۵-۳-۱. حیاک‌الله و بیاک

عبارت «حیاک‌الله و بیاک» معادل عبارت «زنده باشی، خدا حفظت کند» در فارسی است. عبارت بیاک یعنی، خدا زندگی تو را سامان بخشد یا خدا تو را خندان بدارد؛ «حیاک‌الله ابقاک أو ملکک». روایت‌ها نشان می‌دهد که این عبارت بسیار رایج و متداول بوده است تا آنجا که گاهی جای سلام را در دیدارها و ملاقات‌ها می‌گرفته است که امامان از آن نهی کرده‌اند؛ امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ حَيَّاكَ اللَّهُ ثُمَّ يَسْكُتُ حَتَّى يَتَّبِعَهَا بِالسَّلَامِ؛ برای انسان بد است که اول بگوید: «حیاک‌الله؛ خدایت زنده بدارد»، سپس خاموش شود و دنبالش سلام کند» (کلینی، ۱۳۶۹، ۲/۶۴۶).

۵-۳-۲. ابقاک‌الله

عبارت «ابقاک‌الله» به معنای خدا تو را زنده بدارد، خدا طول عمرت دهد یا پایدار باشی فراوان به‌کار رفته است. احمد بن اسحاق می‌گوید که نامه‌ای به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشتم و آن حضرت در پاسخ چنین نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَنَا فِي كِتَابِكَ اِبْقَاكَ اللَّهُ؛ نامه‌ات به

دستم رسید خدا تو را حفظ کند» (الشیخ الطوسی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۲۸۷/۲۴۶). در نامه امام رضا علیه السلام به فرزندش امام جواد علیه السلام آمده است: «أَبْقَاكَ اللَّهُ طَوِيلًا، وَأَعَاذَكَ مِنْ عُدُوِّكَ يَا وَلَدِي فَدَاكَ أَبُوكَ» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲۵۹/۵).

۵-۳-۳. وفقك الله

عبارت مشهور «وفقك الله؛ خدا تو را موفق گرداند یا خدا تو را توفیق دهد، موفق باشی» آرزوی موفقیت کردن برای دیگران است. اهل بیت علیهم السلام از این عبارت در لابه لای گفت و گوهایشان فراوان استفاده می کردند. برای مثال در توفیق شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به علی بن حسین قمی آن حضرت از این عبارت استفاده کرده است: «أَمَّا بَعْدُ: أُوصِيكَ يَا سَيِّحِي وَمُعْتَمِدِي أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْقَمِّيِّ وَفَقَّكَ اللَّهُ لِمَرْضَاتِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ه.ق).

۵-۳-۴. رحمكم الله

عبارت «رحمكم الله؛ خدا شما را رحمت کند، رحمت خدا شامل حالتان باد» در روایتها به کار رفته است. امام صادق علیه السلام در ملاقات جمعی از شیعیان از این عبارت استفاده کرده است: «فَقَالَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ لَا تُذِيعُوا أَمْرَنَا وَلَا تُحَدِّثُوا بِهِ إِلَّا أَهْلَهُ فَإِنَّ الْمَذِيعَ عَلَيْنَا سِرْنَا أَشَدَّ عَلَيْنَا مَوْنَهُ مِنْ عُدُوِّنَا أَنْصَرِفُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَلَا تُذِيعُوا سِرَّنَا» (برقی، ۱۳۷۱/۱، ۲۵۶).

۵-۳-۵. عافاكم الله

عبارت «عافاكم الله؛ خدا شما را به سلامت بدارد، خداوند شما را عافیت بخشد، بلا نبینی» نیز در تعارف های اهل بیت علیهم السلام فراوان به کار رفته است: «وَالرَّجُلُ يَدْعُو لِلرَّجُلِ فَيَقُولُ عَافَاكُمُ اللَّهُ». (ابن بابویه، ۱۳۷۷/۱، ۱۲۶)

۵-۳-۶. اصلحك الله

عبارت «أصلحك الله؛ خداوند شما را برای مصالح دین موفق بدارد یا خدا شما را اصلاح گر و مصلح قرار دهد» بیشتر از سوی شیعیان به امامان علیهم السلام داده شده و خود آنها کمتر از این عبارت استفاده کرده اند. طریحی این عبارت را این گونه معنا کرده است: «وَأَصْلَحَكَ اللَّهُ: وَفَقَّكَ لِصَلَاحِ دِينِكَ وَالْعَمَلِ بِفَرَايِضِهِ وَأَدَاءِ حَقُوقِهِ» (طریحی، ۱۳۷۵/۲، ۳۸۸). شاید معنای دیگر این عبارت مشهور، طلب صلاح دنیایی و سلامتی برای فرد باشد؛ یعنی خداوند شما را



به سلامت بدارد. برای نمونه «عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصَلَحَكَ اللَّهُ وَ اللَّهُ لَقَدْ تَرَكْنَا أَشْوَاقًا أَنْتَظَرًا هَذَا الْأَمْرَ» (برقی، ۱۳۷۱/۱۰۱۳۳).

۵-۳-۷. یرحمک الله یغفرالله لکم

نمونه دیگر از دعاهای تعارفی، مربوط به زمان عطسه کردن است که از آداب و سنن اسلامی است و به آن سفارش فراوانی شده است. سعد بن ابی خلف می گوید: «امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ عطسه کرد و به آن حضرت گفته شد: «یرحمک الله؛ رحمت خدا بر تو باد». امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ فرمود: «یغفرالله لکم و یرحمکم؛ خدا شما را بیامرزد و رحمت کند». هرگاه شخصی در نزد او عطسه می کرد، می فرمود: «یرحمک الله عزوجل» (حرعاملی، ۱۳۸۰). در هنگام خروج افراد از حمام نیز دعاهایی سفارش شده است. در روایتی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِمَنْ يَخْرُجُ مِنَ الْحَمَّامِ دَامَ نَعِيمُكَ فَقِيلَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَاذَا يَزِيدُ قَالَ يَقُولُ أَنْعَمَ اللَّهُ نَدَاكَ» (ابن اشعث، بی تا).

۵-۴. استفاده از ضمیر جمع

یکی از ویژگی های تعارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ استفاده از ضمیر جمع حتی در مخاطب مفرد است که بیانگر احترام بیشتر به فرد مقابل است. در زبان فارسی کلمه شما در قیاس با کلمه تو، مؤدبانه تر و احترام آمیزتر است. فرهنگ استفاده از ضمیر جمع برای مفرد در قرآن نیز نمونه های بسیار دارد که در مواردی حاکی از تکریم و تعظیم است. در عبارت های تعارفی قبل، استفاده از ضمیر جمع دیده می شود. علاوه بر آن در مواردی استفاده از ضمیر جمع مورد توصیه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده است. برای نمونه، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ يَزِيدُ عَلَيْهِمُ الدُّعَاءُ جَمَاعَةً وَإِنْ كَانُوا وَاحِدًا الرَّجُلُ يَعْطُسُ فَيَقَالَ لَهُ يَرْحَمُكُمْ اللَّهُ فَإِنَّ مَعَهُ غَيْرُهُ وَ الرَّجُلُ يُسَلِّمُ عَلَى الرَّجُلِ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ الرَّجُلُ يَدْعُو لِلرَّجُلِ فَيَقُولُ عَافَاكُمْ اللَّهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۷/۱۰۲۶).

۵-۵. پرهیز از عبارت ناصحیح در تعارف ها

پیامبران در شکل و ساختار برخی محاوره ها نیز با فرهنگ های غلط و بیگانه مبارزه کرده اند مانند آنچه از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَتْهُ السَّلَامُ مشهور است که با عبارت های عصر جاهلی مخالفت کرد و به جای آن، عبارت های اسلامی را جایگزین کرد. پیش از اسلام، عرب ها با عبارت «أنعم صباحا آیت اللعن» به هم تحیت و خوش آمد می گفتند. حضرت به فردی که به دیدار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَتْهُ السَّلَامُ آمد و این عبارت را به کار برد، فرمود: «خدای متعال تحیت بهتر از این را به ما داده و آن عبارت

«سلام علیکم» است که تحیت اهل بهشت است» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹). زمانی رسول خدا ﷺ

به حضرت فاطمه علیها السلام هنگام کشته شدن جعفر بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

وقتی آنجا به تعزیه رفتی، مگو: «و اذلاه، وا ثكلاه، و احرباه [و وا حزناه - ظ]» که در زمان جاهلیت، گفتن آنها در سوگ از دست رفتگان مرسوم و معمول بوده است و معنی آن این است که وای از خواری و بی کسی و وای که مادرت به عزایت نشسته و وای از اندوه و غم! و هرچه درباره او بگویی جز اینها از خوبی های او راست گفته ای.

(ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۵۶/۱)

در این گونه اقدامات هم با فرهنگ غلط جاهلی مبارزه شده و هم ساختارهای جدید و پرمحتوای اسلامی جایگزین عبارت های کم فایده و ناامیدکننده عصر جاهلی شده است. این نقش آفرینی حتی در موارد جزئی تر دیگر نیز دنبال شده است که حساس بودن امامان نسبت به ادبیات محاوره را می رساند. در این زمینه روایت جالبی وجود دارد که امام مجتبی علیه السلام شیوه صحیح تعارف و تحیت به فردی که از حمام خارج می شود را به دیگری یاد می دهد و می فرماید:

امام مجتبی، حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، از حمام بیرون می آمد. مردی به آن حضرت عرض کرد: «پاک باد حمام کردن تو!» آن حضرت به او فرمود: «ای نادان این چه لفظ است در اینجا و پس از بیرون آمدن از حمام. اگر پیش از رفتن گفته بودی شاید وجهی داشت.» آن مرد گفت: «حمام تو نیکو باد.» آن حضرت فرمود: «اگر نیکو باشد، پس چه فایده و راحتی به بدن می دهد» (منظور از حمام، راحت بدن است نه چیز دیگر)، پس او گفت: «حمیم تو یعنی، آب گرم تو نیکو باد.» آن حضرت فرمود: «وای بر تو مگر نمی دانی که حمیم به معنی عرق آمده است.» آن مرد عرض کرد: «پس چه بگویم.» حضرت فرمود، بگو: «طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک؛ پاک باد آنچه از اعضای تو پاک گشت و همچنین پاک باد آنچه پاک شد از تو.»

(ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۶۹/۱)

آنچه گذشت تنها نمونه هایی از عبارت ها و ساختارهایی است که اهل بیت علیهم السلام در ارتباط کلامی با دیگران از آن بهره می گرفتند و دیگران را نیز به آن توصیه می کردند. با بررسی این نمونه ها می توان به سبک تعارف های اهل بیت علیهم السلام و عملکرد آن بزرگواران در فرهنگ سازی در زمینه زبان اجتماعی پی برد.



۶. نتیجه‌گیری

تعارف به معنای استفاده از عبارت‌های مؤدبانه و محبت‌آمیز در گفت‌وگو با دیگران و معادل مفهوم تحیت در فرهنگ اسلام و امری پسندیده و جزئی از آداب معاشرت است. این عبارت‌ها باید انتقال‌دهنده مهر و محبت به فرد مقابل براساس صداقت و صمیمیت باشد. روابط مستحکم اجتماعی، نیازمند الگوهای مناسب در ارتباط‌های گفتاری است. اهل بیت علیهم‌السلام در تمام حوزه‌های روابط اجتماعی، الگوسازی کرده‌اند. این اقدام در فرهنگ و ادبیات اجتماعی و محاوره‌ای تأثیر مستقیم داشته است.

اهل بیت علیهم‌السلام در حوزه ادبیات اجتماعی و تعارف‌ها، فرهنگ‌سازی کردند. آنها عبارت‌های صحیح، پرمعنا و محبت‌آمیز را ابداع و ترویج کردند. بسیاری از این عبارت‌ها قبل از اسلام در فرهنگ زبان عربی وجود نداشت و اسلام، مبدع این جمله‌ها و عبارت‌هاست. امامان، عبارت‌های اسلامی را جایگزین عبارت‌های بی‌محتوای جاهلی کردند و از ورود فرهنگ‌های بیگانه به حوزه ادبیات اجتماعی جلوگیری کردند.

بسیاری از عبارت‌ها و ساختارهایی که اهل بیت علیهم‌السلام از آنها استفاده کرده‌اند منشأ قرآنی و وحیانی دارد. با این اقدام واژه‌ها و مفاهیم قرآنی وارد ادبیات محاوره‌ای می‌شد و ارزش‌های اسلامی در قالب همین عبارت‌ها رواج می‌یافت مانند سلام علیکم، طوبی لک، مرحبا جزاک الله، احسنتم و... همچنین بسیاری از عبارت‌ها و ساختارهایی که اهل بیت علیهم‌السلام از آن استفاده کرده‌اند عبارت‌های توحیدی است و ساختار دعایی دارد. این عبارت‌ها در رشد فرهنگ اسلامی تأثیر زیادی دارد و جایگزین عبارت‌های بی‌محتوا، کم‌عمق و بی‌تأثیر جاهلی شد مانند حیاک الله، ابقاک الله، رحمک الله، فی حفظ الله، یغفرالله لکم و... از اقدام‌های مهم در این زمینه، مقابله با فرهنگ‌های بیگانه و غیر اسلامی است، پس با عبارت‌ها و ساختارهایی که از نظر محتوا یا ساختار با روح تعالیم اسلام ناسازگار بوده است، مخالفت شده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه‌السلام.
- * نهج‌البلاغه (۱۴۱۴ ه.ق). محقق: الصبحی صالح. قم: هجرت.
- ۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج‌البلاغه لابن‌ابی‌الحدید. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی‌النجفی.



۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبه (للعمانی). تهران: نشر صدوق.
۳. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ه.ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا). الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مکتبه النبنوی الحدیثه.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ ه.ق). الإمامه و التبصره من الحیره. قم: مدرسه الامام المهدي عليه السلام.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). من لا يحضره الفقيه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). الخصال. مترجم: کمره ای، محمد باقر. تهران: کتابچی.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). عیون اخبار الرضا عليه السلام. تهران: نشر جهان.
۹. ابن شاذان قمی، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل (۱۳۶۳). الفضائل (لأین شاذان القمی). قم: رضی.
۱۰. ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷ ه.ق). مائه منقبه من مناقب امیرالمؤمنین و الأئمه من ولده عليه السلام من طریق العامه. قم: مدرسه الامام المهدي عليه السلام.
۱۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام. قم: جامعه مدرسین.
۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب عليه السلام (لأین شهر آشوب). قم: علامه.
۱۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ه.ق). معجم مقاییس اللغه. محقق: هارون، عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۴. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ ه.ق). مکاتیب الأئمه عليه السلام. قم: دارالحدیث.
۱۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). كشف الغمه فی معرفه الأئمه (ط- القدیمه). تبریز: بنی هاشمی.
۱۶. ایزدی، احمد (۱۳۹۶). کاوشی در وجهه در تعارف ایرانی. تهران: پژوهش های زبان شناسی.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. بستانی، فواد افرازم (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۹. بورخلیلی، منصور (۱۳۹۴). تعارف آمد نیامد دارد. تهران: روزنامه کیهان.
۲۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
۲۱. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۹۵). الغارات او الاستنفار و الغارات. تهران: انجمن آثار ملی.
۲۲. جوادی یگانه، محمد رضا (۱۳۹۵). خلیقات منفی ایرانیان: خصلت ملی یا وضعیت اجتماعی. تهران: شورای اجتماعی کشور و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۲۳. جوهری، اسماعیل بن حماد عطار (۱۴۰۴ ه.ق). الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه). محقق: احمد عبدالغفور بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۴. مدرسه امام مهدی عليه السلام (جمع آوری کننده) (۱۴۰۹ ه.ق). التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری عليه السلام. قم: مدرسه الامام المهدي عليه السلام.
۲۵. حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸ ه.ق). تسلیه المجالس و زینه المجالس مقتل الحسین عليه السلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. زورن فایکا (۱۳۹۵). ادب و تعارف در ایران. تهران: نشریه پژوهش های ایران شناسی، (۶۱)، ۱۰۵-۱۲۴.
۲۸. شریفی مقدم، آزاده، بحرینی، مسعود، و ابوالحسنی زاده، وحیده (۱۳۹۶). مطالعه ای تجربی در باب تأثیر متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت بر کاربرد تعارف ها در زبان فارسی. نشریه زبان شناسی اجتماعی، (۱۱۲)، ۶۴-۷۱.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۵). ارغمان شهید (ترجمه مسکن الفؤاد). قم: جامعه الشیخ طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ه.ق). کتاب الغیبه للحجه. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۳۰. شریفی، شهلا، و عباسیان، فهیمه (۱۳۹۳). بررسی یافت شناختی تعارفات واقعی و غیر واقعی در زبان فارسی. اولین همایش ملی زبان انگلیسی و ادبیات و ترجمه در آموزش و پرورش. تهران.
۳۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). آداب معاشرت از دیدگاه معصومان عليه السلام. مترجم: فارابی، محمد علی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۳۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). هدايه الأئمه الی احکام الأئمه عليه السلام. مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ه.ق). اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات. بیروت: علمی.
۳۵. شیرازی، مکارم، (۱۳۵۳). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۵ ه.ق). المسترشد فی امامه علی ابن ابی طالب عليه السلام. قم: کوشانپور.

۳۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۳۸. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۸). زاویه دیگر: تعارف ایرانی، تعارف انگلیسی. نشریه آیین، ۲۶، ۷۰-۸۱.
۳۹. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضه الواعظین و بصیره المتعظین. قم: انتشارات رضی.
۴۰. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). درباره نیمرخ زفتار ایرانی (سنخ شناسی مدل‌ها). نشریه جامعه شناسی ایران، ۱۱، ۲۱-۳.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ه.ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۴۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ه.ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجره.
۴۳. قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۴۱۲ ه.ق). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ ه.ق). تفسیر فرات الکوفی، محقق: کاظم، محمد. تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
۴۶. کوتلاکی، سوفیا (۱۳۹۶). تعارف و نظام ادب در فرهنگ ایرانی. نشریه مطالعات ایران شناسی، ۴، ۶۵-۸۸.
۴۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. مسعودی، علی بن حسین اثبات (۱۴۲۶ ه.ق). الوصیه للامام علی بن ابی طالب. قم: انصاریان.
۴۹. مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۴). اثبات الوصیه. قم: انصاریان.
۵۰. معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیر کبیر.
۵۱. منیر درکیج (۱۳۸۶). چرا خارجی‌ها تعارف فارسی را نمی‌فهمند. نشریه نامه پارسی، ۴۲، ۱۷-۴۲.
۵۲. نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ ه.ق). وقعه صفین. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
۵۳. نعمه رحیم العزاوی (۱۳۹۴). روش شناسی پژوهش‌های زبان‌شناختی (با تکیه بر زبان عربی). مترجم: اصغری، جواد. تهران: دانشگاه تهران.
۵۴. نوری، حسین بن محمد تقی (بی‌تا). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت.

